



پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۴۶۸

فرهنگ و هنر

به عبارت دیگران

وقتی پای رهبر انقلاب اسلامی

سست می شود...

آقا خیلی سریع و محکم و نظامی قدم برمی دارد و با هر قدم عصا را محکم جلو می اندازد. در خور همیشه مراسمی

چهره آقا خیلی مصمم است و به سرعت از کنار همه واحدها عبور می کند. انتظار دارم که در کنار بچه های بسیجی رهبر جور دیگری راه برود و جور دیگری نگاه کند، اما رهبر همان جور محکم قدم برمی دارد. به کنار جایگاه که می رسد همان روحانی جوان که اصرار داشت صف اول بنشیند، می خواهد خوشامدی، چیزی بگوید. «رهبر! من مسؤول...» اما رهبر نمی ایستد و با همان سرعت ادامه می دهد. ته دلم - به همراه بقیه آدم های جایگاه، کیف می کنم.

انتهای جایگاه، کنار صندلی آخر، یک جانباز ۲ پا قطع روی صندلی چرخدار نشسته است. رهبر از کنار او هم به سرعت رد می شود اما یکهو انگار پایش سست می شود. می ایستد. سردار فیروز آبادی و دوربین پر تابلو صدوسیما تا می خواهند بایستند، ۲-۳ متری جلو رفته اند. رهبر برمی گردد و تقریباً روی زانو می نشیند و دست جانباز را در دست می گیرد و صورتش را می بوسد. اشک به پهنای صورت از چشم جانباز جاری است. عاقبت این نظم معنا پیدا می کند. مؤمن در هیچ چار چوبی نمی گنجد.

رضا امیر خانی / داستان سیستماتن روز ۱۰ روز با رهبر]

انتشارات قدیانی - صفحات ۱۸۸ و ۱۸۹

خیانت سران عرب
به شیخ عزالدین قسام

اشتباه دیگری که پیشینیان ما مرتکب شدند این بود که جنبش ملی فلسطین را به نظام های عرب که دارای انگیزه های خودخوانه بودند متکی و انگیزه های آنها را با انگیزه های شرافتمندانه توده های عرب مخلوط کردند. اغلب حکومت های عرب منطقه، آن زمان زیر سیطره یا تحت تأثیر نفوذ انگلیس بودند و طبعانه می توانستند هم میمانان صادق جنبش آزادی بخش باشند که دقیقاً علیه جهل خواری انگلیس مبارزه می کرد.

شیخ عزالدین قسام این مجاهد اصیل و شریف راه آزادی که قبل از آنکه سال ۱۹۳۲ به جنگل ها پناه برد، محروم ترین اقشار مردم را سازماندهی کرده بود، بالاخره به دلیل آنکه نتوانست کوچک ترین حمایتی از جانب یکی از کشورهای «برادر» به دست آورد، ۳ سال بعد قهرمانانه شهید شد.

او در سال ۱۹۳۵ طی نبردی که از پیش محکوم به شکست بود، به دست انگلیسی ها کشته شد اما بویژه همدستی اعراب با مقامات انگلیسی بود که شرایط کشتن وی را برای انگلیسی ها فراهم کرد. در جریان قیام خلقی سال ۱۹۳۶ نیز هیچ یک از رژیم های عربی به کمک مردم فلسطین نیامدند. اعتصابات عمومی که یکی از آنها ۶ ماه دوام یافت، تظاهرات و جنگ های منظم که تا آستانه جنگ دوم جهانی به دنبال یکدیگر آمدند، به خون کشیده شد. نهایتاً دولت های عرب هیچ اقدامی برای جلوگیری از کشتار به عمل نیاوردند و نهایتاً هیچ کمک مادی به این جمعیت بی دفاع که به مقابله با توپها و تانک های انگلیسی بر خاسته بود نکرده، بلکه به عوض تمام اینها، بیانه ای خطاب به خلق فلسطین منتشر کردند و طی آن دعوت به متوقف کردن جنگ علیه آنچه «هم میمان بزرگ ما انگلیس» نامیدند، کردند!

اریک رولو / فلسطینی آواره
[خطرات ابواباد مسؤول بخش اطلاعات و امنیت ساف]
حمید نوحی - انتشارات گام نو - صفحات ۹۳ و ۹۴

در اهمیت فهم

شاهزاده آندره به این شمایل کوچک که خواهرش با آن عقیده و حرمت و تکریم به گردش بسته بود نگر بسته با خود گفت: «چقدر خوب بود اگر همه چیز، آنچنان که در نظر شاهزاده خاتم ماریا جلوه می کند، ساده و آشکار بود! چقدر خوب بود اگر آدمی می دانست که در زندگی به جست و جوی کمک و معاضدت به چه کس روی آورد و پس از زندگی این جهان، در آن سوی گور، چه در انتظار او است! چقدر خوشبخت و راحت بودم اگر اینک می توانستم بگویم: «پروردگار! به بنده خود ترحم کن!»

لئو تولستوی / جنگ و صلح
کاظم انصاری - انتشارات امیرکبیر - صفحه ۳۱۸

زبان بزرگ حوزه ها...

من اکنون مشاهده می کنم که تحصیلات ادبی، در میان طلاب، از آن اوجی که داشته افتاده است. شگفتا! از حدود ۲۰ سال پیش آگاهان حوزه ها توجه یافتند که دانستن ادبیات اسلامی، برای طلاب و حاملان فکر دینی و ناقلان آن فکر (چه مجتهد، چه عقایدشناس، چه مفسر قرآن، چه محدث، چه مؤلف، چه نویسنده، چه مدرس، چه خطیب، چه منبری، چه یک مساله گوی ساده که در جهان امروز زندگی می کند و به گونه ای در رابطه اسلام با جامعه و جهان دخالت دارد) کافی نیست، بلکه این گروه ها باید از ادبیات جهان خارج از اسلام نیز تا حدودی آگاهی داشته باشند، و این آگاهی را تحصیل کنند. اکنون بنیگردها که امروز با کمال تأسفد، در موارد چندی دیده می شود که حتی ادبیات اسلامی نیز به آن گونه که درخور است و لازم، تدریس و تحصیل نمی شود و این زبانی بزرگ است.

محمدرضا حکیمی / ادبیات و تعهد در اسلام
دفتر نشر فرهنگ اسلامی - مقدمه، صفحه ۱۵

حضرت امیرالمومنین (ع):

دروغگو با دروغ خودش ۳ چیز به دست می آورد: خشم الهی بر او، لعنت به خودش از طرف مردم سرزنش و نکوهش فرشتگان نسبت به او.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۲۱۲۷
پيامرسان: vatanemrooz@ پست الكترونيك: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام جم پرتز برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۲۱۲۷
پيامرسان: vatanemrooz@ پست الكترونيك: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام جم پرتز برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

مراسم رونمایی از تقریظ رهبر انقلاب بر ۳ کتاب حوزه دفاع مقدس با تمرکز بر نقش زنان قهرمان ایرانی، در تهران و ۶۰ نقطه کشور به طور همزمان برگزار شد

غصه ها و قصه های عاشقانه



عشق را شرح و بیان/ چون به عشق آیم خجل باشم از آن». آنچه باید با چشم دل ببینیم بیش از آن است که با چشم صورت خوانده ایم. لایه های پنهان را جور دیگر باید دید و فهمید. شاید صدای آسمانی حاج شیرعلی در هنگام خواندن دعای کمیل کمکی در این باره بکند یا اشک های همسر شهید بر روی سنگ مزارش. غصه های این بانو مرا غصه دار کرد، مثل غصه ها و قصه های همسران و مادران دیگر شهدای عزیز، حالات روحانی و معنوی شهید و داغدارانش را در بسیاری از موارد از پشت پرده اشک خواندم، چنانکه در زندگینامه های شهیدان دیگر، کتاب دیگری که امروز از تقریظ آن رونمایی شد، کتاب تب ناتمام بود که به زندگی خانم شهلا منزوی مادر شهید حسین دخانچی پرداخته است. ایشان درباره اش نوشته اند:

بسم الله الرحمن الرحيم
تصویر روشنی از درد و رنج جانگذازد یک جانباز قطع نخاع و اندوه و تلاش بی پایان مادر صبور و پرتحمل و دیگر کسانش در این کتاب ارائه شده است. به روی و نویسنده باید آفرین گفت. سلام خدا بر حسین دخانچی شهید و بر مادر بردبار و داغدارش.

این رویداد بخشی از برنامه روز ملی قهرمان و محور اصلی سی و سومین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران بود که آیین مرکزی آن در تالار وحدت تهران اجرا و همزمان در دیگر استان ها و ۶۰ نقطه کشور برگزار شد.

این مراسم با اجرای نمایش گوشه هایی از زندگی ۳ شهید بزرگوار سعید قهاری، شیرعلی سلطانی و حسین دخانچی و نیز شعرخوانی در مدح حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها ادامه یافت.

در پایان برنامه نیز با حضور خانواده شهیدان حسین دخانچی، شیرعلی سلطانی و سعید قهاری از تقریظ های رهبر انقلاب بر ۳ کتاب تب ناتمام، خانوم ماه و همسفر برف و آتش رونمایی شد.

در متن تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب همسفر آتش و برف چنین آمده است:

بسمه تعالی
این کار نو و مبتکرانه ای در نگارش زندگی شهید و همسر شهید است؛ جذاب و اثرگذار... در ترکیب زیبا و شیرین آن بقیته ذهن و زبان شیرین راوی مؤثر بوده، ولی بی شک هنر نویسنده و خلاقیت و نوآوری او نیز نقش مهمی داشته است. سلام خدا بر شهید قهاری و همسر صبور و دانا و شجاع او، و درود بر نویسنده خوش ذوق و هنرمند کتاب.

در متن تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «خانوم ماه»؛ داستان زندگی خانم ناز علی نژاد همسر شهید شیرعلی سلطانی نیز آمده است:

بسمه تعالی
این کتاب یکسره عشق و ایمان است. نگارنده تا توانسته با ادبیات شیوا و سلیقه رنگین خود، از این عشق و ایمان پرده برداری کرده است ولی «هرچه گویم

است، گویا سمیه رجعت کرده است. ترابی کیا گفت: در زمانه ای که زمین غمناک است، اگر بانوان کاری که بر عهده شان هست به طور کامل انجام ندهند باید جواب پس بدهند. وی حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها را پرچمدار جبهه مقاومت دانست و افزود: نخستین روایتگر سقیفه فاطمه زهراست و حضرت زینب سلام الله علیها نخستین راوی مقاومت مادر است؛ زینبی که تاریخ در مقابل او زانو می زند.

همسر شهید رشید به فرمایش امام حسن عسکری علیه السلام اشاره کرد و گفت: تربیت توسط مادر باید تربیتی باشد که روزی بتواند به آن افتخار کند. وی گفت: یک وجهه از جنگ وحشتناک است اما وجهه دیگری به رغم اینکه غم دنیا بر دلت نشسته، وقتی سعادتمندی فرزندان را می بینی خدا را شکر می کنی.

بانو رشید ابزار را لازمه روایتگری دانست و افزود: وظیفه روایت بر عهده تک تک ما است و امید داریم ما مجبور باشسیم و توفیق در تربیت نسلی داشته باشیم که پرچمدار باشند و ما بتوانیم زیر بیرق دین خوب سربازی کنیم.

بانو رشید فرزند شهیدش را مایه افتخارش دانست و گفت: او با اینکه در محافل مختلف حضور دائمی داشت و روایتگری می کرد فقط خود را شیخ عباس معرفی می کرد و حتی یک بار از نام پدر و جایگاهش برای گره گشایی استفاده نکرد و این من مادر را امیدوار می کند که بخشی از آنچه در تربیت او توقع داشتم محقق شده است.



طاهره راهی

بیشتر کتاب های نوشته شده درباره دوران دفاع مقدس به زندگی شهید و خانواده های آنها می پردازد و کتاب های کمی درباره جانبازان بویژه جانبازان قطع نخاع به رشته تحریر در آمده است، همچنانکه محصولات تصویری کمی نیز درباره آنها وجود دارد؛ جانبازانی که شاید بتوان گفت تنها در تصویرهای مستند دیده ایم، افرادی که در تمام این سال ها به آنها زیاد نزدیک نشده ایم و از نوع زندگی روی تخت و خانواده های شان اطلاعات زیادی نمی دانیم؛ کسانی که برای شهادت آماده شده بودند اما امتحانات بزرگ تری در انتظارشان بود.

بسیاری از ما جانبازان متفاوتی را در زندگی های مان دیده و شناخته ایم، مثلاً من متولد دهه ۶۰ از نزدیک تنها ۲ جانباز می شناختم، یکی که دست هایش با پیچ و مهره به هم چفت شده بود و کار می کرد و دیگری، جانباز اعصاب و روانی که مدتی نیز اسیر بود و در زندان های بعث، آشپز. من از آن جانباز اعصاب و روان تنها می دانستم بعضی وقت ها موج می گیرد و همه را می گیرد به باد کتک یا آن یکی، گاه گاهی دست هایش از کار می افتد و خانه نشین می شود اما همواره و در پس ذهنم وقتی در مستندات جانبازان، افرادی را می دیدم که همیشه روی تخت بودند، می خواستم بدانم روزگار آنها چگونه می گذرد، روزگار خانواده های شان چگونه؟ اینکه به جای میهمانی رفتن، نشستن بر سفره، سفر و حتی کار آسانی چون راه رفتن، چطور تحمل می کنند، در همه لحظات زندگی روی تختی دراز باشند و چشم های شان دنیا را آن طور که ما می بینیم، نبینند! از زندگی این

درباره کتاب «تب ناتمام» که رهبر انقلاب برای آن تقریظ نوشته اند

شهلا ی حسین...

و در عملیات بدر در سال ۱۳۶۳ جانباز قطع نخاع از ناحیه گردن می شود. کتاب شاید ابتدا مانند بسیاری دیگر از زندگینامه ها، از ازدواج مادر و تولد فرزندان و چگونگی اتصال خانواده به جریان انقلاب آغاز شود اما اصل ماجرای کتاب که خواننده را میخکوب می کند و به دنبال خود می کشاند، جانبازی حسین است؛ اتفاقی که بسیاری حتی تحصیل لطفه ای از آن را ندارند، مانند آنچه در کتاب آمده: «جانبازانی در آسایشگاه بودند که یا خانواده شان دور بودند یا همسران شان طلاق گرفته و کسی را نداشتند».

شاید تصور همه ما از فرد قطع نخاعی تصور ناامیدکننده و فرسایشی باشد؛ جانبازانی که بر اساس درصدها آسیب دسته بندی می شوند و در این میان، حسین دخانچی از جانبازان قطع نخاع از گردن است و حتی نمی تواند سرش را تکان دهد، ولی این کتاب تمام معادلات ذهنی مان را بهم می ریزد. کسی که نمازش را با پلک برهم زند چشمانش می خواند، بعد از اتمام جنگ و خو گرفتن تدریجی



در شبکه های اجتماعی

@vatanemrooz

